



دانشگاه قم
دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی
«پایان نامه کارشناسی ارشد رشته اخلاق اسلامی»

عنوان:

صبر از دیدگاه اسلام و عهدین

استاد راهنما:
دکتر عسکر دیرباز

استاد مشاور:
دکتر حسن قنبری

نگارنده:
رقیه مختاری
زمستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ

تقدیم به

آستان آشنایی معصوم، کریمه ای از خاندان رسول
که باران لطفش بر ما نازل است
و کرامتش ما را مشمول

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که طول سالیان گذشته مراد در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر عسگر دیرباز که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم. از جناب آقای دکتر حسن قنبری به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند کمال تشکر را دارم

چکیده

صبر از صفات بزرگ انسانی است که در اخلاق اهمیت والایی دارد و اکثر علمای اخلاق به آن اهمت داده و برای آن تعاریفی ارائه کرده اند، که به برخی این تعاریف اشاره می شود. که هدف این گزارش بررسی و بیان آیات صبر در کتابهای مقدس ۳ دین بزرگ و تأثیری که در علمای اخلاق هر یک از این ادیان داشته است و نیز بیان تفسیر برخی از این آیات می باشد. در این تحقیق ابتدا آیات صبر در قران مجید، ویژگی صابران، شرایط صبر و مواردی که فرد باید بر آنها صبر کند و نیز پاداش صابران در قران بیان خواهد شد. پس از آن تعریف و شرایط صبر از نظر علمای اخلاق اسلامی بیان می شود. در ۲ فصل آخر به تعریف صبر در کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) پرداخته می شود و آیاتی را که در آنها انسانها به صبر دعوت شده اند بیان می شود. نیز آن جنبه هایی از امور زندگی دنیوی و اخروی که در این ادیان صبر در آنها مهم است بیان می شود. و نیز این مسئله بررسی خواهد شد که آیا برای این ادیان صبر فی نفسه دارای ارزش است و یا فقط صبوری ارزشمند است که برای رضایت خداوند و در راستای تعالیم آن دین باشد. صبر در قران و در اخلاق اسلامی بسیار مورد تاکید قرار گرفته است به گونه ای که اگر انسان دارای صفت صبر و صبوری باشد، می تواند سایر فضایل اخلاقی را نیز کسب کند. اما با آنکه تعداد آیات بشمارای در کتاب مقدس در باب صبر وجود دارد این صفت اخلاقی در بین علمای اخلاق آن ادیان مورد توجه قرار نگرفته است.

هدف از این تحقیق علاوه بر تعریف صبر، بیان ارزش و جایگاه و تأثیر آن در اخلاق این سه دین، بیان پاداشی معنوی و اخروی آن نیز هست زیرا در ادیان توحیدی منافع و سود اخروی اعمال و فضائل به منافع دنیوی ارجحیت دارد. و تنها چیزی که برای ادیان توحیدی دارای ارزش است که سبب سعادت اخروی انسان گردد و رضایت خدا در آن مورد توجه قرار گرفته باشد. نه هیچ چیز دیگری و از آنجا که صبر در راه خدا متضمن این منفعت نیز هست باید به بررسی صبوری پرداخت که سعادت اخروی را در پی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها

صبر، اخلاق، قران، عهدین

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۴	فصل اول کلیات
۴	صبر در علم اخلاق
	کتاب عهد قدیم
۱۶	نسخ خطی تورات
۱۷	تورات نسخه حلقیای کاهن
۱۸	تورات نسخه عذرای کاهن
۱۷	نسخه سبعینه تورات
۱۹	نسخه مسوریه تورات
۲۰	کتب ورسالات عهد جدید

فصل دوم صبر از دید گاه قران

۲۹	مقدمه
۳۱	معنای لغوی صبر
۳۳	مفهوم قرانی صبر
۳۶	صبر در آیات قران
۴۰	اهمیت صبر در قران و دعوت قران به صبر
۵۴	سختی های صبر
۵۴	فضائل صابران در قران
۵۵	اخلاق نیک
۵۵	نیک فرجامی
۶۱	اجتناب از تکبر
۶۱	اجتناب از قتل
۶۱	بصیرت

۶۲	نیکو کاری
۶۳	تواضع و پاکدامنی
۶۴	گذشت
	پاداش صابران
۶۶	بهشت
۶۷	جایگاه نیکو و تحیت
۶۷	رستکاری
۶۷	مغفرت
۶۹	محبت خدا و پیروزی بر دشمن
۶۹	جایگاه صابران در قرآن
۷۰	صبر و یقین
۷۰	صبر و شکر
۷۱	صبر و توکل
۷۲	صبر و عمل صالح
۷۲	صبر در احادیث و سخنان معصومین

فصل سوم صبر از دید گاه علمای اخلاق اسلامی

۸۰	مقدمه
۸۱	حقیقت صبر و معنای آن
۸۴	مصائب مادر خوشبختی ها
۸۷	فضیلت صبر
۹۲	انواع صبر
۹۸	اقسام صبر در اختلاف در قوت و ضعف
۱۰۰	ضرورت صبر
۱۰۲	ضرورت صبر برای اهل ایمان
۱۰۳	ضرورت صبر برای پیامبران
۱۰۵	صبر واجب است یا مستحب
۱۰۸	انگیزه های صبر
۱۱۷	زمینه های صبر

۱۱۸	صبر بر بلاهای دنیا
۱۱۸	صبر در برابر خواسته های دل
۱۲۰	صبر در مقام فرمان برداری از خداوند
۱۲۰	صبر در راه تبلیغ دین
۱۲۱	صبر در میدان جنگ
۱۲۲	صبر در مقام معاشرت با مردم
۱۲۳	آفات صبر
۱۲۳	راه های کسب صبر
۱۲۴	راه های تضعیف انگیزه شهوت
۱۲۴	راه های تقویت انگیزه دین

فصل چهارم صبر در عهد قدیم

۱۲۷	مفهوم صبر در عهد عتیق
۱۴۰	آیات صبر در عهد عتیق
۱۴۴	آیاتی که خداوند مسیحا را صبور معرفی کرده
۱۴۵	آیاتی که خداوند صبر را دوست دارد و مردم را به صبر دعوت می کند
۱۴۷	فضائل صابران
۱۴۶	آیاتی که صابران از خداوند مایوس نمی شوند
۱۴۸	توکل
۱۴۹	نابود کردن ستمگران
۱۵۳	پاداش صابران
۱۵۴	بهشت
۱۵۴	ارث بردن زمین
۱۵۶	مژده پیروزی

فصل پنجم صبر در عهد جدید

۱۵۹	مقدمه
۱۶۰	آیاتی که خداوند بیان شده خداوند صبور است
۱۶۴	آیاتی که عیس (ع) و روح القدس صبور معرفی شده اند

۱۶۸	ویژگی صابران
۱۶۸	توان مقابله با مشکلات
۱۶۹	کینه نداشتن نسبت به دیگران
۱۷۰	اعتماد به خدا
۱۷۱	بادیگران در صلح زندگی کردن
۱۷۳	توان مقابله با سختی ها
۱۷۳	تحمل رنجها بخاطر خداوند
۱۷۷	ایمان داشتن به تسلی خداوند
۱۷۷	در همه حال ثنای خداوند را گفتن
۱۷۹	ویژگی های صابران
۱۸۰	آموختن صبر
۱۸۳	نیاز به صبر برای مهار هوای نفس و خویشتن داری در برابر خواسته های نفسانی
۱۸۵	منافع مشقتها
۱۸۵	مقاومت در برابر ابتلائات و آزمون ها
۱۹۰	دوری از داوری های شتابزده
۱۹۱	مدارا با خطا های دیگران
۱۹۴	دوست داشتن دیگران
۱۹۶	تاسی به پدران مقدس
۱۹۷	داوری و عقوبت گناهان
۱۹۹	عطاعت خاضعانه از خداوند
۲۰۱	توکل تمام بخداوند
۲۰۲	پاداش صابران
۲۰۳	شرایط کسانی که می توانند کشیش شوند
۲۰۴	نتیجه گیری نهایی
۲۰۶	فهرست منابع

۱. مقدمه

صبر از جمله ویژگی های انسانی است که در همه ادیان بسیار مورد توجه بوده است و در همه کتابهای مقدس می توان آیات متعددی را در باره صبر ، ارزش و اهمیت آن ، وپاداش خاص برای صابران را مشاهده نمود . همه پیامبران نیز پیروان خود را به صبر و پایداری در برابر مشکلات و استقامت در دین خود دعوت می نمودند . با توجه به میزان اهمیت و ارزشمندی صبر در بین ادیان و سنتهای اخلاقی برخاسته از این ادیان نیاز است که به علت این توجه زیاد پرداخته شود تا معلوم گردد که چرا صبر در بین آنها چنین جایگاه والایی دارد و آیا کلاً هر صبری و در هر شرایطی برای ادیان با ارزش است یا فقط در برخی شرایط و یا برخی از انواع صبر ارزشمند می باشد و اگر اینگونه باشد کدام یک از انواع صبر و در چه شرایطی از زندگی افراد صبر دارای ارزش می شود و در چه زمانها و شرایطی صبر نه تنها مطلوب ادیان نیست بلکه مذموم یا حتی حرام است.

هدف از این تحقیق بیان جایگاه صبر در سه دین بزرگ توحیدی و بررسی آن در آیات کتابهای مقدس این سه دین است و نیز چنانکه گفته شد فهمیدن جایگاه صبر در این ادیان و به تبع آن سنتهای اخلاقی نشأت گرفته از آنها است. و پاسخ دادن به این سوال اصلی که:

۱- جایگاه صبر در اخلاق اسلامی و در کتاب مقدس (عهدین) چیست؟

و سوالات فرعی دیگری که باید به آنها پاسخ داده شود از جمله به این سوالات

۲- صبر چه ارزش و جایگاهی دارد و آیا اصلاً هر صبری با ارزش است؟

۳- صابران چه کسانی اند و چه پاداشی می گیرند؟

۴- آیا جنبه های دنیوی و مادی صبر نیز دارای ارزش است و یا فقط جنبه اخروی آن مورد نظر ادیان است؟

۵- چه تفاوتی میان تعریف و جایگاه صبر در بین ادیان و علمای اخلاق وجود دارد؟

در باره جایگاه صبر در اسلام و ارزش اخلاقی والای آن آثار بسیاری هم توسط علمای اخلاق به رشته تحریر در آمده است و تقریباً هیچ استاد اخلاقی را نمی توان یافت که در کتاب اخلاقی او فصل یا بابی در باره صبر وجود نداشته باشد اما متأسفانه این خصیصه بزرگ انسانی در آثار اخلاقی دانشمندان دو دین یهودی و مسیحی چندان مورد توجه قرار نگرفته است و به آن پرداخته نشده است و متأسفانه نظر عالمان اخلاق در این دو دین به صورت مدون وجود ندارد و فقط باید به آیات کتاب مقدس که در باره صبر نوشته شده و تفاسیر این آیات بسنده کرد. اما از آنجا که در بین علمای اخلاق صبر و دیگر فضائل اخلاقی، از لحاظ جنبه های فردی و هم از لحاظ جنبه های اجتماعی دارای اهمیت می باشد هدف این تحقیق این است که بداند آیا از لحاظ ادیان هم جنبه اجتماعی صبر دارای ارزش است و یا فقط از جنبه دینی صبر صفت ارزشمندی محسوب می گردد. فرض این تحقیق بر این پایه استوار است که در هر سه دین توحیدی مبنای اخلاق بر پایه و اساس الهیات است و صبر و سایر صفات اخلاقی فقط در صورتی دارای ارزش و اعتبار است که مبتنی بر دستورات دینی و در جهت اهداف الهی و رضایت خداوند باشد و این جهت الهی به صورت مادی آن هم ارزش می دهد. در غیر این صورت نه صبر، که هیچ یک از فضائل اخلاقی ارزشمند نبوده و مستحق پاداش الهی نیز نخواهند بود.

فصل اول

کلیات

پدیده های حاصل از بی تابی، ناله و فریاد، گریبان دریدن، برسروصورت زدن، مو پریشان کردن، بر روی ران و سینه زدن و... است. این رفتارها در حالت و شرایط عادی انجام نمی گیرد و هنگام مصیبت است که از انسان سر می زند. و از سوی دیگر کسل شدن، اظهار ناتوانی کردن و روال زندگی را رها کردن، منشاء ترک کردن اموری هستند که انسان در شرایط عادی آنها را انجام نمی دهد ولی در زمان وارد شدن مصیبت انجام می دهد. پدیده دیگر در زمان بی تابی، شکایت کردن است. معمولاً وقتی حادثه ی ناخوشایندی رخ میدهد انسان لب به شکایت می گشاید وزمانی که شکایت کردن با ناسزا گویی همراه شود دیگر هیچ حریمی نگه داشته نمی شود و هرچه بر زبان انسان برسد گفته می شود. اما انسان صبور و نه اهل شکایت است و نه ناسزا می گوید. صبر یکی از زیباترین و عام ترین ویژگی های اخلاقی انسان است. که در همه ادیان و مکاتب مورد توجه قرار گرفته است. در تمامی آنها انسانها به صبر سفارش شده اند، و از نظر همه آنها راه دستیابی به اهداف، تلاش و کوشش و صبر است. برای صبر افراد مختلف تعاریفی را ارائه نموده اند که البته تقریباً همه این تعاریف مشابه یکدیگرند. واژه صبر در لغت به معنای حبس، در سختی، محدودیت و مضیق قرار دادن است^۱ و نیز به معنای خویشتن داری در سختی و تنگی است.

در تعریف صبر گفته شده است « شکیبایی و خود داری نفس بر آنچه که عقل و شرع بر آن حکم می کند و آن را می طلبد یا آنچه را که عقل و شرع خودداری نفس از آن را اقتضاء می کند^۲».

صبر از نظر علمای اخلاق

در علم اخلاق سه شیوه و مکتب دیده می شود

۱- اخلاق فیلسوفانه: این مکتب اخلاقی بیشتر بر محور تئوری اعتدال می چرخد. این شیوه اخلاقی

^۱ راغب اصفهانی، *المفردات فی ترمیم القرآن* انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۵

^۲ مفردات ص ۴۷۳. انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۵

عمدتاً با پذیرش و تاثیر پذیری از نظریه «اعتدال»، «حد وسط» در مقابل «افراط» و «تفریط» تلاش می کند تا تمام خوبی ها و بدی های اخلاقی را در غالب این فرمول توجیه و تبیین نماید. «اعتدال» به عنوان معیار کلی برای فضیلت اخلاقی است و «افراط» و «تفریط» مشخصه رذیلت اخلاقی می باشد.^۱

کتاب جامع السعادات اثر مرحوم مهدی نراقی بیشتر بر اساس این مکتب نوشته شده است. در این کتاب پس از تعریف صبر و اقسام و اسامی آن خط اعتدال در صبر و ضد آن را در موارد مختلف شده است. که در این بخش تعریف ایشان از صبر و نیز سایر تعاریف که از صبر بیان شده است به اجمال بیان می شود.

۲- اخلاق عارفانه: اخلاقی است که عرفا و متصوفه مروج آنند. این نوع اخلاق بیشتر تکیه بر تربیت اخلاقی سیر و سلوک دارد و تلاش های زیادی را برای ترسیم یک نظام تربیتی و تعیین مبدا و مقصد آن و منازل و مراحل در بین راه و وسائل و لوازم مورد احتیاج در هر منزل مصروف داشته است این اخلاق بیشتر به تربیت اخلاقی با ابزار محبت تاکید دارد.^۲

مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی با این نگاه صبر را در باب سوم کتاب اوصاف الاشراف قرار داده است. باب سوم این کتاب در سیر و سلوک و در طلب کمال و بیان احوال سالک است که صبر را پس از منازل خلوت و تفکر، خوف و حزن و رجاء بیان کرده و شکر را پس از صبر عنوان نموده است.^۳ آیت الله جوادی آملی در کتاب مراحل اخلاق در قرآن - که شرح کتاب اوصاف الاشراف است - صبر را مقام یازدهم از مقامات عارفان و مراحل سیر و سلوک آورده و آن را اینگونه تعریف کرده است. «صبر حبس نفس و خویشتن داری در برابر رخدادها است صبر مضطر نبودن، اعتراض و

^۱ احمد دیلمی، مسعود آذربایجانی، *اخلاق اسلامی*، دوم، قم، دفتر پخش معارف، ۱۳۷۹.

^۲ احمد دیلمی، مسعود آذربایجانی همان، ۳۲.

^۳ خواجه نصیرالدین طوسی، *اوصاف الاشراف*، سید محمد شمس الدین، باب صبر

شکایت نکردن و اعضاء و جوارح را در جهت غیر صحیح حرکت ندادن است که فرق دقیق و باریکی با حلم دارد»^۱.

۳- اخلاق حدیثی: اخلاقی است که محدثان با آن به معرفی مفاهیم اخلاقی براساس کتاب و سنت پرداخته اند.^۲ که در قسمت بررسی صبر از دیدگاه اخلاق اسلامی به آن احادیث اشاره خواهد شد و برخی احادیث از دریای بی کران احادیث امامان بزرگوار بیان خواهد شد علاوه بر موارد فوق برای صبر در کتب مختلف تعاریف دیگری نیز بیان شده که البته کمابیش مشابه همان تعریف راغب اصفهانی گفته شده که به برخی از این تعاریف اشاره می شود. علامه جوهری در تعریف صبر میگوید: « صبر خویشتن داری در هنگام جزع و بی تابی است». ملا محسن فیض کاشانی در کتاب محجة البیضاء در تعریف صبر می گوید: « صبر عبارت است از پایداری انگیزه دین در برابر انگیزه شهوت. اگر انسان استقامت ورزد تا آن را مقلوب کند و بر مخالفت با شهوت ادامه دهد حزب خدا را یاری کرده و به صابران پیوسته است و اگر سستی کند به حدی که شهوات^۳ بر او چیره شود و در دفع آن پایداری و شکیبایی نرزد به پیروان شیاطین ملحق شده است». ملا احمد نراقی در کتاب معراج السعاده در تعریف صبر می گوید: « صبر عبارت است از ثبات نفس و اطمینان آن و مضطر نگشتن آن در بلاها و مصائب و مقاومت کردن با حوادث و شدائد به نحوی که سینه فرد تنگ نشود و خاطر او پریشان نگردد و گشادگی و طمأنینه که پیش از حدوث آن واقع داشت زوال نپذیرد. پس زبان خود را از شکایت نگه دارد و اعضاء خود را از حرکات ناهنجار محافظت کند»^۴.

مولا مهدی نراقی در کتاب جامع السعاده در تعریف صبر می گوید: « صبر عبارت از ثبات و آرامش نفس در سختی ها و بلاها و مصائب، و پایداری و مقاومت در برابر آنها است. به طوری که از

^۱ مراحل اخلاق در اسلام، جوادی آملی، ۳۰۵، مرکز نشر اسراء چ ۸، قم، ۱۳۸۷

^۲ دیلمی، آذربایجانی، همان، ۲۲،

^۳ ملا محسن فیض کاشانی، محجة البیضافی تهذیب الاحیاء، سید محمد صادق عارف، آستان قدس رضوی، ۷.

^۴ ملا احمد نراقی، معراج السعاده، فصل صبر،

گشادگی خاطر و شادی و آرامشی که پیش از خوف داشت بیرون نرود و زبان خود را از حرکات نا به هنجار نگه دارد»^۱.

امام محمد غزالی در کتاب احیاءالعلوم صبر را اینگونه تعریف می کند: «صبر عبارت است از ثبات در خواسته های دینی که در مقابله با خواسته های شهوانی است»^۲.

در کتاب اقرب الموارد در تعریف صبر گفته شده: «صبر ترک کردن شکایت از درد و ناراحتی برای غیر خدا، به سوی خدا است. اگر بنده ای خدا را در برطرف کردن ناراحتی بخواند به صبر او ضرری نمی رسد». اما در یک تعریف کلی شاید بتوان گفت: صبر یعنی مقاومت در برابر سختی ها و از دست ندادن تاب و قرار. صبر نیرویی است کنشگر و پویا که انسان را در برابر آنچه ناخوشایند است توانمند میسازد هر مشکل و مصیبتی به تناسب ناخوشایندی اش روان انسان را نیز در تنگنا قرار می دهد و موجب بروز فشار روانی می گردد در برابر این گونه پدیده ها اگر فرد توانمند و مقاوم نباشد عنان تعادل و اختیار خود را از دست می دهد که نه فقط به حل مشکل خود کمک نخواهد کرد بلکه بر رنج آن نیز می افزاید. شکایت کردن، فریاد زدن، موی کندن و... رفتار افرادی است که توان تحمل و بردباری را ندارند. اما کسانی که توان مقابله با سختی ها را دارند بر خود مسلط اند و از حالت تعادل خارج نمی شوند و در زمان بروز مشکل به خوبی می اندیشند و به موقع اقدام می کنند.

افرد صبور کسانی هستند که علاوه بر توانمندی بر تحمل این سختی ها، مهارت لازم برای گذر از بحران را نیز دارند. انسان صبور می داند که چگونه از فشار روانی بکاهد و بار شکننده آنها را تخلیه کند. انسان صبور کسی نیست که فقط مشکلات و ناراحتی های خود را بروز ندهد. صبر فقط به معنای درون ریزی غم و اندوه نیست. صبر به معنای محبوس کردن دردها در سینه و سد کردن راه بروز آنها

^۱ سید جلال الدین مجتوبی، علم اخلاق اسلامی، (جامع السعادت، مولی مهدی نراقی)، جلد ۳ صفحه ۳۶۲-۳۶۳ حکمت، ۱۳۷۹.

^۲ امام محمد غزالی، احیاءالعلوم، ۱۰۳، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۷.

نیست انسان صبور انبار دردها واندوه ها نیست. بلکه صبر یعنی مقاومت در برابر ضربه های حوادث و مهارت در کاهش و به حداقل رساندن فشارهای روانی حاصل از آنها، انسان صبور کسی است که راه مقابله صحیح و منطقی با حوادث را میداند. هر زمان که حادثه ای برای او رخ دهد که خارج از توانایی او باشد با ایمان به این که حتماً خیری در آن بوده و مشیت خداوند بر آن اتفاق قرار گرفته است. می تواند مشکلات و مصائب را پشت سر گذارد در آخر باید این نکته را خاطر نشان کرد که نه صبر به معنای سکوت است و نه هر سکوتی نشانه بردباری^۱.

از آنجا که این تحقیق گزارشی است درباره صبر در اسلام و کتاب مقدس؛ در بخش صبر در کتاب مقدس پس از تعریف صبر در کتاب مقدس باید برخی نکات مهم بیان شود. از جمله این نکات تاریخ و نحوه نگارش کتاب مقدس بخصوص عهد عتیق، و نیز بیان برخی دلایل که سبب شده در کتابهای یهودیان و مسیحیان به صبر به عنوان یک صفت اخلاقی کمتر مورد توجه قرار گیرد.

تعریف صبر در کتاب مقدس: تعریف صبر در کتاب قاموس مقدس^۲ این گونه بیان شده است: صبر یکی از صفات حضرت القدس الهی است که نماینده تحمل و دیر غضبی و دوام رحمت و پرمحبتی او است نسبت به عصیان و خطایای نوع بشر سفر خروج ۳۴: ۶ و رساله رومیان ۲: ۴ و نوم پطرس ۲: ۹ همچنان که توفیق شخص مسیحی بعضی اوقات مقصود از تحمل شداید و مشتقات است با آرامی و اعتماد و مداومت در ایمان و تکلیف لوقا ۸: ۱۵- رومیان ۵: ۳- یعقوب ۱: ۳ و ۱۲ دوم پطروس ۲: ۶ و گاهی مقصود از تحمل نسبت به نوع و هم جنس خود می باشد متی ۱۸: ۲۶ اول ستالونیکا ۵: ۱۴- دوم تیمونائوس ۲: ۲۴ بنابراین خدای متعال منبع صبر و توفیق و تمام توصیفات از او جاری است رومیان ۱۵: ۱۵ و شخص مسیحی باید که آن را در تلاوت کتب مقدس و حیات خداوند عیسی مسیح که نمونه

^۱ عباس پسندیده، رضایت از زندگی، ۷، موسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۸.

^۲ قاموس کتاب مقدس، مستر هاگس

کامل صبر بود از خدای تعالی بطلبد ۱۵:۵-۱-غلاطیان ۲۲:۵ عبرانیان ۶:۱۲ و ۱۲:۱۰ و یعقوب ۵:۱۰ و ۱۱ -

اول پطروس ۲:۱۸-۲۲

حلم و فروتنی نیز در کتاب قاموس کتاب مقدس این گونه تعریف شده است "طبیعی شایسته و عادت‌پسندیده است که تمام مقدسین در هر حالت یعنی چه در حالت فدا شدن و یا ضد آن دارای طبیعت مستوره بوده اند اشعیا ۶:۲-۳ - مکاشفه یوحنا ۴:۸-۱۱ و ۷:۹-۱۲ و چون توفیق و فیض مسیحی در قلب تازه شخص مسیحی توسط روح القدس به عمل می آید- به واسطه عدم لیاقت و گناهکاری و مقروض بودن خود را به عنایت و احسان الهی را دریافت می نماید - نتیجه اش این است که خود را برتر از آنچه هست نخواهد دید و بالاتر از آنکه شایسته است نخواهد دانست لوقا ۱۷:۱۰ و رومیان ۱۲:۳-۴ و فلپیان ۲:۳-۴ - بلکه تمام جلال را شایسته حضرت اقدس الهی خواهد دانست اول قرن‌تیان ۴:۷ و دوم قرن‌تیان ۳:۵ و خود را به خداوند تسلیم خواهد نمود پس چون احساس حلم و احتیاج از برای قبول شدن در نزد خداوند و نمو کردن در تقدس ضروری است علیهذا خداوند متعال آن را می مطلبد میکاه ۷:۶ و وعده برکت از جانب خدا دارد اشعیا ۵۷:۱۵ و اول پطرس ۵:۵ مسیح نیز حلم را نسبت به شاگردان خود از ضروریات دانسته چنانکه در متی ۱۸:۴ و لوقا ۱۸:۱۴ و کولسیان ۳:۱۳ وارد است و در کتاب یوحنا ۴:۱۳-۱۷ و فیلیپیان ۲:۵-۸ خود مسیح نسبت به کاری که نسبت به شاگردان خود بعمل می آورد، نمونه حلم را بیان می فرماید و چون تکبر ضد حلم و مکروه نظر خداوند است به همین جهت در آیاتی از کتاب مقدس آن را رد می کند اشعیا ۲:۱۱-۱۷ امثال سلیمان ۱۲:۵

کتاب مقدس شامل دو بخش است؛ عهد قدیم^۱ که کتاب مقدس یهودیان است و عهد جدید^۱ که

مسیحیان آن را به همراه عهد قدیم به عنوان کتاب مقدس پذیرفته اند.^۲

^۱ Old testament

بر خلاف قرآن کتاب مقدس مسلمانان که همه مسلمانان درباره صحت ودقت آن و این که تماماً وحی شده به پیامبر اکرم است شک ندارند، درباره تاریخ دقیق و نحوه نگارش اکثر کتب و رسالات کتاب مقدس - از سوی پژوهشگران یهودی و مسیحی - اختلاف نظر وجود دارد.^۳ علاوه بر این درباره نحوه وحی آن به پیامبران و نیز ماهیت خود وحی در بین این سه دین اختلاف نظر وجود دارد که پیش از بررسی آیات صبر در کتاب مقدس ابتدا باید به طور خلاصه درباره وحی و ماهیت آن در بین معتقدین این سه دین و درباره تاریخ و نحوه نگارش کتاب مقدس و مولفان آنها مطالبی را بیان کنم.

بنا به اعتقاد راسخ مسلمانان قرآن مجموعه کامل از «وحی» ای است که خداوند توسط فرشته خود جبرائیل به حضرت محمد(ص) و در طول ۲۳ سال بروی نازل کرده است. مسلمانان معتقداند که تک تک الفاظ قرآن آسمانی و بدون آمیختگی با کلام انسانی و حتی مجرد از کلام خود محمد(ص) است. هیچ انسانی در تالیف و تدوین آن دخالت نداشته و کل مجموعه قرآن مستقیم از سوی خداوند و به انشای خاص او است. و هر یک از جملات قرآن خود به تنهایی آیه (یعنی نشانه ایی از وجود خداوند) قلمداد می گردد. بنا براین، بر اساس اعتقاد مسلمانان قرآن کتابی واقعاً آسمانی است و کلام آن جز به جز منطبق با کلام الهی است البته این باور از بیان خود قرآن نشأت گرفته است.^۴ و این موضوع در خود قرآن صریحاً بیان شده: این کتاب بی شک از سوی پروردگار عالمیان است.^۵

اما به باور یهودیان وحی به این معنا است که خداوند در حیات پیامبران حضور داشته و در تجارب آنان عمل کرده و خود را به آنان منکشف ساخته است. در تورات خداوند خود مستقیماً با برخی

^۱ New testament

^۲ وجه تسمیه عهد این است که خداوند از آدم ابولبشر (به گفته یهودیان از یهود) پیمان گرفت که شریعت را بپذیرد که آن پیمان را با ابراهیم هم بست و با موسی محکم کرد. که این بیان در کتاب مقدس سفر پیدایش باب ۱۹ آیات ۸-۱۰ آمده است. (حسین کلباسی اشتری، مدخلی بر تبار شناسی کتاب مقدس. سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم ۱۳۸۷، صفحه ۳۶)

^۳ این اختلاف در تاریخ و نحوه نگارش توسط استاد اردستانی در کتاب یهودیت و دکتر توفیقی در کتاب آشنایی با ادیان بزرگ و دکتر کلباسی در مدخلی بر تبار شناسی کتاب مقدس نیز بیان شده است

^۴ کمپجانی، پژوهش توصیفی در کتب مقدس، فصل قرآن مجید ۲۲۴-۲۲۵

^۵ سوره سجده

پیامبران یهود از جمله موسی سخن گفته، و خود الواح را برای او نوشته است و نه از طریق فرشته وحی^۱ و یا با یعقوب مبارزه تن به تن کرده و بعد از این مبارزه، او را اسرائیل نامیده است. یا در جایی که موسی به دستور خداوند قوم خود را به سوی کنعان^۲ هدایت می کند خداوند خود به موسی می گوید که او وارد کنعان نخواهد شد و در مرز آن از دنیا می رود. «و موسی را خطاب کرده و گفت: بنی اسرائیل را امر فرمود به ایشان بگو چون شما به زمین کنعان وارد شوید این است زمینی که به شما ملکیت خواهد رسید یعنی زمین کنعان با حدودش»^۳ و نیز قبل از فوت موسی خداوند خود (یوشع بن نون) را جانشین موسی تعیین کرد.^۴ و خود نیز او را وصیت می کند که قوی و دلیر باش زیرا تو بنی اسرائیل را به زمینی که برای ایشان قسم خورده ام داخل خواهی ساخت و من با تو خواهم بود.^۵ و خداوند خود به موسی می گوید: اینک ایام مردن تو نزدیک است. یوشع را طلب نماید و در خیمه اجتماع حاضر شوید تا او را وصیت نماید، «پس موسی و یوشع رفته در خیمه اجتماع حاضر شدند و خداوند در ستونی از ابر بر خیمه ظاهر شد و ستون ابر بر در خیمه ایستاد.»^۶ که با توجه به این آیات خداوند مستقیماً با موسی و یوشع سخن گفته و نه با واسطه فرشتگان.^۷ و یا زمانی که یهودیان به نزد سموئیل رفته و به او گفتند که چون آمونیان و سایر اقوام دارای پادشاه هستند، بر بنی اسرائیل پیروز می شوند و از او خواستند که خداوند برای آنان نیز پادشاهی انتخاب کند خداوند خود با سموئیل سخن گفته و گفته است: «چون بنی اسرائیل پادشاهی او را نپذیرفته اند و به دنبال پادشاهی دیگر هستند او نیز به انتخاب داوران پایان می دهد و سموئیل آخرین داور خواهد بود و او شائول را به عنوان پادشاه برای

^۱ کتاب مقدس سفر خروج، باب ۲۲ آیات ۷ تا ۲

^۲ کتاب مقدس سفر اعداد، باب ۳۴

^۳ سفر اعداد باب ۳۴

^۴ کلباسی، مدخلی بر تبار شناسی، ۹۰

^۵ کتاب مقدس سفر تثنیه، باب ۳۲ آیات ۲۳-۲۵

^۶ سفر تثنیه باب ۳۱ آیات ۱۴-۱۶

^۷ کلباسی، مدخلی بر تبار شناسی کتاب مقدس، ص ۹۰